



تغییرات ماهنامه «فیلم» در شماره ۴۴۹ و انتقال برخی از مطالب به سایت مجله بیشترین بازتاب را در پیامک‌های خوانندگان داشت. خوانندگان با حذف هر بخش و مطالبی مخالفانند و خود ما هم طبعاً بنا بر احساس ضرورتی آن‌ها را تدارک دیدیم. این حذف‌ها از سر ناچاری است؛ به‌خصوص با حذف شانزده صفحه از مجله با روند افزایش قیمت‌ها هیچ معلوم نیست چه در انتظار است. ما دل‌مان می‌خواهد هر ماه مجله‌ای در دو سفته صفحه با قیمت مورد قبول و قابل تحمل همه خوانندگان چاپ کنیم که مجبور به حذف هیچ بخش و مطالبی نباشیم. خوانندگان ما از زوهای را مطرح می‌کنند که اغلبشان از روی ما هم هست ولی واقعا تعداد صفحه‌های موجود مجله ظرفیت همه مطالب و بخش‌های مجله و همه مطالب درخواستی خوانندگان را ندارد. معجزه‌های ما از ما ساخته نیست. تصورمان این است که فضای مجازی امکانی در دسترس است که در چنین تنگنایی باید از آن استفاده کرد. این هم که برخی از خوانندگان تلاه می‌کنند که ما به اینترنت دسترسی نداریم، عذر قابل قبولی نیست. به هر حال اینترنت از ابزار و امکانات جهان امروز است که به‌خصوص افراد اهل مطالعه باید به آن مجهز شوند. درست مثل این است که کسی بگوید من با پست و تلفن و بانک می‌توانم نادرم. حتما شما هم شنیده‌اید که مجله هفتگی معروف «نیوزویک» در ماه یابانی سال جاری میلادی انتشار نسخه چاپی‌اش را متوقف می‌کند و از ابتدای سال ۲۰۱۳ فقط روی اینترنت منتشر خواهد شد. این‌ها ضرورت‌ها و تحمیل‌های زمانه است؛ درست مثل تغییر شکل بسیاری از شیوه‌های تولید و عوض شدن سبک زندگی و پیدا شدن گونه‌های مختلف گیاه و جانور و ابزار و غیره در طول تاریخ تا همین چند سال پیش برخی از سینماگران هم در برابر نرم‌افزارهای تدوین و صداگذاری و دوربین دیجیتال مقاومت می‌کردند. اما سرانجام تسلیم شدند و دستگاه‌های قدیمی موزایک‌ها شد و تعطیل کارخانه کدک، نشان‌های از این است که بجز روی نوار سلولوئیدی فیلم هم نتوانش خواهند شد. به هر حال میزان مطالب و بخش‌های مجله بیش از ظرفیت فعلی صفحات است. با یا باید مطالب اضافی را حذف و بایگانی کنیم یا به شکل دیگری عرضه کنیم که فضای مجازی امکان ارزشمندی برای این کار است. اگر به اینترنت دسترسی ندارید دسترسی پیدا کنید و اگر اهلی نیستید لطفاً اهلیت شوید! چاره‌ای نیست. ساکن یک کلان‌شهر اگر اهل سوار شدن به اتوبوس و مترو و اتوبوس یا استفاده از آسانسور نیستیم دچار مشکل می‌شود. زمانی مردم همه پولشان را در جیبشان می‌گذاشتند و به خرید می‌رفتند؛ حالا پول را در بانک می‌گذارند و با کارت خرید می‌کنند. اکنون بانک‌ها دیگر دیگر قبض آب و برق و تلفن را نمی‌پذیرند و باید با آن‌ها کارت پرداخت. کسی هم از شمانمی‌پذیرد که کارت ندارد و کار با عابربانک را بلد نیستید. جوابش این خواهد بود که کارت تهیه کنید و کار با آن را یاد بگیرید! بسیاری از امور روزمره اداری هم می‌دانید که با اینترنت انجام می‌شود. به هر حال تغییراتی که از دو شماره پیش آغاز شد بازتاب‌های متفاوتی در میان خوانندگان داشت که برخی از آن‌ها منفی بود و اعتراض به حذف برخی از بخش‌ها و مطالب و انتقال آن‌ها به سایت (باور کنید اگر چنین نمی‌کردیم همان چند مطلبی را که پیام‌های شما هم در شماره نشانی می‌دهد آن‌ها را پسندیدید) می‌توانستیم در آن شماره چاپ کنیم. بیشترین اعتراض‌ها به حذف «بیست سال پیش در همین ماه» بود که خودمان هم تصورش را نمی‌کردیم. البته واکنش خوانندگان از جهتی هم برای ما باعث خوش حالی و نشانه‌های عاقلانه و توجه آن‌ها به گذشته و تاریخ مجله است. عجلاناً در این مورد تجدید نظر کردیم و آن را به مجله بر گردانیدیم اما واقعا فشار حجم مطالب در برابر ظرفیت صفحات کنونی مجله طاقت‌فرساست و هر ماه روز حذف از فهرست مطالب تهیه‌شده برای رساندن آن‌ها به میزان کنج‌شاه مجله بدترین روز کار ماهانه‌مان است که ضرورت‌هایی را به‌زودی تحمیل خواهد کرد. از سوی دیگر، با توجه به مخالفت شدید تقریباً همه خوانندگان با حذف شانزده صفحه از مجله، از این شماره آن شانزده صفحه را هم به مجله بازگردانیم. در مورد قیمت‌ها هم که فقط به محدود به کاغذ نمی‌شود) تسلیم بازار موجود هستیم. متأسفانه متغیرها آن قدر زیاد و غیر قابل پیش‌بینی هستند که هیچ قول ثابتی درباره قیمت و تعداد صفحات برای آینده نمی‌توانیم بدهیم. امیدواریم همه بتوانیم با درک واقعیت‌ها در برابر نیازها و ضرورت‌ها واکنش منطقی نشان دهیم.

تغییرات

۱. سبزی از بیجار، پروین قلی‌زاده و امیر علی‌دادی از شیراز، برابریار از سنگسر، نیک‌منش از اهواز، سیمیا فرخ‌پور از بروجرد، شهرام یعقوبی از تالش، منصوره روشنائی از گرگان و محمدعلی از اردبیل با حذف بخش «بیست سال پیش در همین ماه» مخالفت کرده‌اند و محمد جعفر شش‌سیرین از همدان، فرانک کهنزادی از شیراز، مهدی سپهرزاد از نورآباد مغانی، حسین عموینی از اصفهان، رضا صادقی و شسوکا علی‌نژاد از تهران، سعید قادری از کرمانشاه و فرشاد نجفی از خرم‌ها هم با تغییرات مجله موافق نیستند. جاری از اهواز؛ انتقال بعضی مطالب از مجله به سایت قدیمی، شایسته، لازم و پیشرو است. در آینده نزدیک می‌توانم استفاده از مطالب سایت را از حالت مجانی خارج کرد تا کمکی به مجله باشد. حسین تجارلو از تهران؛ نرم‌افزاری برای موبایل طراحی کنید که بشود هم مطالب را خوانند و هم خلاصه‌ای از مطالب آن شماره از مجله را که چاپ شده مثل سایت در اختیار خواننده بگذارد. یاشار آگاه از کرج؛ تغییرات مجله محبوبم را دوست نداشتیم. اما کهن‌لگه‌های سینمای ایران خوددنی و آموختنی بود. بوسیدین روی امز از شهر چهار چهر نقد را نداشت. ربنا شجاعی از تهران؛ تغییرات چه چاپی و چه مجازی خوب است، ولی ترس من از مهدی شهرداری از گچساران؛ با موج تغییرات جدید، که موردیست من نیست، ورود صافی بزبانیان را بعد از سال‌ها به فال نیک می‌گیرم و منتظر کامیاب کلمه عزیز هم می‌آمزم. امید که دوستان دیروز، در مجله امروز هم کار کنند. اما آخر یعنی چه؟ کسی که بیست سال است مجله‌ای را می‌خواند و چشم‌پسته می‌تواند بخش مربوط به مطالب مورد نظرش را در هر شماره‌ای بیابد، جویبار باید ثابت کند به این تغییرات؟ واقعا متأسفم! دیگر «فیلم» نمی‌خرم. جدا به داد خوانندگان بعد از این‌تان برسد، از ما که گذشت. رسول سپهرزاد از اهواز؛ مجله را از صفحه ۸ شروع می‌کنند و در صفحه ۱۰۸ به پایان می‌رسانند. ۱۶ صفحه را هم زیرسبیلی رد می‌کنند، خواننده بی‌شما هم متوجه درستی آقایان هنر دوست و دل‌سوز سینما

نمی‌شود، حتی جمله‌های زرد سینمایی هم تبلیغات را جزو صفحاتشان حساب نمی‌کنند. دیگر دارم از دوستان خسته می‌شوم از بس که بیساک دادم و چاپ نشدند. عکس روی جلد شماره ۴۴۹ اصلاً خوب نبود. تغییرات انجام‌شده در مجله بی‌نهایت بهترند. خورشید بودند. کم‌کم به سمت فصل شدن پیش می‌روید. اگر ریشو مجله‌هایم ناقص نمی‌شد هیچ وقت پولم را حرام مجله «فیلم» نمی‌کردم. علی احمدی‌زاد از بروجرد؛ تغییرات جدید هدیه خوبی در سی‌سالگی مجله است. فقط امیدوارم بخش مجازی کم‌کم جای مجله را بگیرد. رضا پاک‌نژاد از تهران؛ به سایت مراجعه کردم، عالی بود. چاره‌ای نیست؛ زندگی مدرن شده. فریدون کریمی از ماهشهر؛ انتقال بخشی از «رویدادها» به سایت ماهنامه، کار سنجیده‌ای نیست. تمامی بخش در گذشتگان خارجی را به سایت انتقال دهید. کادر مختصر و فوق‌العاده «و در سایه ماهنامه فیلم» (با آن فصل عالی موس) در صفحه فهرست، بسیار محشر و به‌جاست. با این فاجعه کمرشکن کاهش شانزده صفحه، حضور ناگهانی «طنز سینمایی» (که البته بازه هم بود) جعفر ضرورت دارد! این شماره با دو مطلب پرویز دویی و پرویز توری و هم‌چنین جهان‌بخش توری و صافی بزبانیان، رنگ‌بوی بهار و «بهاره» را می‌داند. ایسان سیدی از درگز؛ شماره ۴۴۹ تغییرت جالبی دارد. مطلب پرویز نوری جهان‌بخش نورایی بر صندهای غم‌آلود خردمند و معتمد، راست‌سوئی است. عباس فیوضی از مشهد؛ شماره ۴۴۹ بسیار نوستالژیک شده بود. مطالب پرویز نوری، پرویز دویی، شاهپور عزیز (درباره دوبله) که بیست سال است مجله‌ای را می‌خواند و چشم‌پسته می‌تواند بخش مربوط به مطالب مورد نظرش را در هر شماره‌ای بیابد، جویبار باید ثابت کند به این تغییرات؟ واقعا متأسفم! دیگر «فیلم» نمی‌خرم. جدا به داد خوانندگان بعد از این‌تان برسد، از ما که گذشت. رسول سپهرزاد از اهواز؛ مجله را از صفحه ۸ شروع می‌کنند و در صفحه ۱۰۸ به پایان می‌رسانند. ۱۶ صفحه را هم زیرسبیلی رد می‌کنند، خواننده بی‌شما هم متوجه درستی آقایان هنر دوست و دل‌سوز سینما

فرمز تا توجه بیش‌تر به سینمای جهان، با شکر از آقای ام‌جی. فریدون کریمی از ماهشهر؛ باز هم رنگ آن همه دانش غبطه می‌خورم. امیدوارم در شماره ماهنامه «فیلم» همراه باشند. فاطمه الیاسیان از اردبیل؛ شماره ۴۴۹ خیلی خوب بود. یادداشت‌های همه عالی بود، به‌ویژه حمیدرضا صدر. تنها یادداشتی که عصبانیت‌ام کرد نوشته مسعود پورمحمد بود که فکر می‌کند فردوسی پور گزارشگر محبوب همه است. من یکی از طرفداران سرسخت تیم ملی ایتالیا هستم، هر وقت او بازی‌های ایتالیا را گزارش می‌کند علیه آن تیم حرف می‌زند و از باختش خوش‌حالی می‌کند، نوتوانم خیالاً بیروز ۱۲-۲۰. منصوره روشنائی از گرگان؛ شماره ۴۴۹ مطالب متنوعی داشت و لذت بردم خصوصاً از مطلب پرویز نوری. بقیه مطالب هم خواندنی و جذاب بودند. هم‌چنین گفتگو با محمدعلی کشاورز که جای خالی‌اش در مجله احساس می‌شد. جواد مشهدی از نیشابور؛ در ستایش حرف‌ها دل‌خیزش بود. مهدی شهرداری از گچساران؛ نیما حسن‌نسیب مصاحبه‌ای با فرامرز فریبیان کرده در مجله «۲۴» که آس همه مصاحبه‌سندت، حالا شما هم مصاحبه رو کردید! از سال ۸۴ با محمدعلی کشاورز پروین قلی‌زاده از شیراز؛ ظاهر آقای کشاورز مشکلی با عمل نداشتند. بستگی دارد چه کسی آن را انجام داد. جلد شماره ۴۴۹ را «گرم و لذت‌بخش» و رامک اخوان از رشت «عالی و غافل‌گیرکننده» توصیف کرد. در ترقی علیرضایی از گلیاگان و عباس سالمی از کرمانشاه هم نظر مثبتی درباره این جلد دارند اما رسول سپهرزاد از اهواز و جاریانی و رضانی مطلق از بجنورد آن را پسندیدند. فتاحی؛ اصرار احمد طالبی‌نژاد به شباهت فیلم با به حبه قند یا شباهت اسم فیلم به کتاب مستور و سفارشی بودن بوسیدین روی ماه ولی صافی و آزار دهنده است. سعید شهین‌پوش از زاهدان؛ مصاحبه خوبی بود اما بعضی جاها به نظر می‌رسید طالبی‌نژاد می‌خواهد حرفش را تحمیل کند. اواخر مصاحبه وارد فضا دیگری می‌شود گرچه حرف‌ها شنیدنی بود، آن هم از سوی رییس کانون کارگردانان. فریدون کریمی از ماهشهر؛ معمولاً تیر گفتگوها از گفته‌های مصاحبه‌شونده گرفته می‌شود (که گاهی به نوعی جهان‌بینی مصاحبه‌شونده را در چند کلمه یا یک جمله نشان می‌دهد) ولی طالبی‌نژاد عزیز در گفتگویش با اسعدیان

متوجه شدیم آن وقت می‌گویند فیلمی تئاتری‌ست، ضعف فیلم است یا اشتباه منتقد؟ یا کارگردان عمداً تمام وسایل تئاتر را به سینما منتقل کرده؟ یا اصلاً به کار بردن این جمله غلط است؟ ضمناً من کار دستاران کیراستمی بزرگ نیستیم، ولی ای دوست من! تو تاوستم به یا مصاحبه کردن بد جوری به تخریب مؤلفی چون خود نشسته ابتدا استفاده از نابازیگر را استنباط خواند، بعد استفاده از دوربین روی دست را ببیند، بعد نفی صدای ستر صحنه، سپس استفاده از دستا به جای فرم گرای، می‌تسم مدتی بعد او به بالیود علاقمند شود. طالی‌نژاد می‌گفت که شاید لپجاری است. ولی با کی؟ برای چی؟ به چه قیمت؟

پرهیز داوری از تهران؛ با مطلب بهزاد عشقی در «خشت و آینه» موافقم. همین کمال‌گرایی‌ما را مخاطب شما کرده است. احسان حاجی‌مشهدی از گرگان؛ «همای درشت» مطالب جالبی از سینمای کورسماکی داشت. در بیش‌تر شماره‌ها جای چنین بررسی کاملی خالی‌ست. روح‌الله صالحی از اراک؛ عکسی گرهی با ذکر اسامی همکاران مجله چاپ کنید. مطالب آن‌ها را می‌خوانم ولی هیچ تصویر ذهنی از نویسندگهایشان ندارم.

پیام‌های تان رسید کامییز جاباتی‌ها به‌جود، عباس سالمی از کرمانشاه حمیدره‌ریزچی از تبریز، داود گودرزی و نایلی از بروجرد. فرهاد دارینی از گرگان. سیمیه از شیراز. پروین پارسائیا از مشکین‌شهر، لگزیان از نیشابور. رضا طاعتی نیری از نیر. محمود اکبری از قزوین. مرتضی میناوند، حامد مرادزاده، پروانه زرین، مهشید سیدین، مینا ابراهیمی، علی امیری، سنا محراب‌زاده، روزبه ب، طاهران، مونا آباد و صداحمدعلی از تهران. احسان ط. از لارستان. معینی از مشهد. رضا ضحری‌ان از مرند. امیر حسن‌خانی و محمدرضا خدابخشی از زرین‌شهر. میثم حبیبی از همدان. بهمنش از سنندج. مجید شهرآبادی. روزبه نجفی. رامسا رادان. بهمن شهرپادی، فرحوش، مینان.

مشروح پیامها
و پیام‌های بیش‌تر در:
www.film-magazine.com